

بررسی تصحیحات الهی نامه عطار

اعظم پوینده پور *

دکتر جمال الدین مرتضوی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

دکتر احمد امین

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

چکیده

الهی نامه یکی از منظومه های عارفانه عطار است که در سالهای اخیر مورد توجه بسیاری قرار گرفته و چندین مرتبه تصحیح شده است. لازم به ذکر است که نسخه های تصحیح شده آن نیز بارها تجدید چاپ شده و در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است. این مطالعه با استفاده از روش اسنادی-کتابخانه ای و با هدف بررسی تصحیحات الهی نامه عطار توسط ریتز، روحانی و شفیع کدکنی انجام گرفته است. نظر به اینکه در این پژوهش هر یک از این تصحیحات با توجه به سه اصل مأخذ و نسخ، اهلیت پژوهشگر و روش تصحیح مورد بررسی قرار گرفت، یافته های پژوهش نشان می دهد که تصحیح ریتز از لحاظ اهلیت مصحح و شیوه کار در مقایسه با دیگر تصحیحات اهمیت بیشتری دارد و مشکل اصلی کار او عدم دسترسی به نسخه های معتبر بوده و روحانی به رغم در اختیار داشتن بیست و دو نسخه به دلیل نادرست بودن روش کار و نداشتن تجربه لازم در ارائه تصحیحی جامع و مانع ناکام، بوده است. در این میان تصحیح شفیع کدکنی در مقایسه با دو تصحیح دیگر به دلیل دارا بودن اهلیت، دسترسی به نسخه های معتبر و بهره گیری از علم سبک شناسی برتری دارد.

کلیدواژه ها: تصحیح الهی نامه، الهی نامه نسخه ریتز، الهی نامه نسخه روحانی، الهی نامه نسخه شفیع کدکنی، تصحیح متون کلاسیک ادبی فارسی.

مقدمه

با ورود صنعت چاپ به ایران و لزوم انتشار کتابهای ادبی قدیم و هم‌چنین رویکرد جدید به این آثار در پی تأثیرپذیری از مدرنیسم غربی مسأله تصحیح شکلی جدیدتر به خود گرفت و استادان زبان فارسی با فراگیری شیوه‌های علمی با تأسی از شرق شناسان به این کار پرداختند. بر این اساس، تصحیح را «به آماده سازی متنی کهن بر اساس مقابله، سنجش و تصحیح نسخه‌های خطی آن به گونه‌ای که متن نهایی فراهم آمده نزدیکترین صورت ممکن به نوشته مؤلف باشد» (عمادی حائری، ۱۳۸۷: ۴)، تعبیر کرده‌اند.

در مجموع، روشهای تصحیح متون را می‌توان در دو دسته کلی جای داد: ۱) تصحیح بر پایه نسخه اساس ۲) تصحیح التقاطی. در روش تصحیح بر پایه نسخه اساس، نسخه‌ای که از لحاظ اصالت، درستی و قدمت بر نسخه‌های دیگر موجود برتری آشکار دارد، اساس متن نهایی قرار می‌گیرد و مصحح در متن آن تصرف نمی‌کند. در شیوه تصحیح التقاطی از آنجا که هیچ نسخه‌ای را نمی‌توان به طور کامل درست‌تر و اصیلتر از نسخ دیگر دانست، ضبط متن نهایی از میان نسخه‌های مختلف برگزیده می‌شود. البته روشهای دیگری نیز در این میانه هست؛ مانند روش بینابین که به عنوان روشی فرعی در میانه این دو روش جای می‌گیرد (همان: ۶ و ۷).

یکی از شاعران فارسی زبان، که تا کنون آثار او توجه عده بسیاری از مصححان را به خود جلب کرده، فریدالدین محمد نیشابوری مشهور به عطار، شاعر و نویسنده صوفی مسلک خراسانی در قرن ششم و ابتدای قرن هفتم است. آثار او متعدد و طبق گفته پژوهندگان، هشت اثر گرانبه‌است که با مرور زمان به طور گسترده مورد تصرف نساخان قرار گرفته و از طرفی گذشت روزگار، موجب آسیب‌دیدگی نسخه‌های متعدد آن شده است. در این میان شاید بتوان گفت الهی‌نامه او از این بابت دچار مشکلات بیشتری است و نسخه‌های متعدد آن اختلافات گسترده و بسیاری دارد که قابل تأمل و بررسی است. الهی‌نامه، مثنوی به بحر هزج مسدس محذوف به وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل (یا فعولن) شامل بر ۶۵۱۱ بیت است (فروزانفر، ۱۳۷۴: ۹۷). برخی از پژوهشگران معتقدند که این اثر همان خسرونامه است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۱۴) و این کتاب نخستین اثر منظوم شاعر قلمداد می‌شود (همان: ۳۸).

مقدمه این کتاب با حمد و ستایش خدا آغاز می‌شود که مدار سخن عطار در آن بر بیان قدرت و علم حق و توضیح صفات ظاهر، باطن، اول و آخر او قرار دارد و ضمن آن به شرح کلمه «نور» و چگونگی اطلاق آن بر خداوند و تفسیری از آیه نور می‌پردازد و پس از اقرار به عدم شناخت حق و راهیابی به کنه ذات او، این نعت را با سوز و اشتیاق خود به پایان می‌برد؛ آن گاه ابیاتی در منقبت ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع) می‌سراید و گفتگویی را با روح انسان کامل، که آن را نایب دارالخلافة می‌نامد، ترتیب می‌دهد و در آن به بیان مقامات او و برتری او بر تمامی مراتب وجود می‌پردازد و برای او شش فرزند برمی‌شمرد: نفس که در محسوس جای دارد؛ شیطان که به موهوم می‌گراید؛ عقل که از معقولات می‌گوید؛ علم که معلومات را می‌جوید؛ فقر که طالب معدومت است و توحید که جویای ذات واحد است؛ سپس روح را به کسب مقامات و مراتب انبیا دعوت، و بیان می‌کند که تنها زمانی می‌توان با روح سخن گفت که این مراتب به دست آمده باشد و در ادامه به بازگویی داستان مناظره پدر با پسران می‌پردازد. بنا بر رسم عطار در کتابهایش، حکایات تمثیلی بسیاری در جنب داستان اصلی گنجانده شده که طولانی‌ترین آن حکایت رابعه بنت کعب فزرداری است. تاکنون تصحیحات مختلفی از این کتاب ارائه شده است که از مهمترین آنها می‌توان به تصحیحات ریتز، روحانی و شفیع کدکنی اشاره کرد. در این مقاله به بررسی توصیفی- تطبیقی هر یک از این تصحیحات، و با استفاده از سه ملاک مشخص شامل اصل مآخذ و نسخ، اهلیت پژوهشگر و روش تصحیح به ارزیابی نقاط قوت و ضعف هر یک از این تصحیحات پرداخته می‌شود.

پیشینه و روش تحقیق

تصحیح کتابهای ادبی زبان فارسی از غرب آغاز شد. بویژه در مورد کتابهای عطار، سیلوستر دوساسی^۱ در سال ۱۸۵۷ به تصحیح پندنامه و ترجمه آن به زبان فرانسه همت گماشت. گارسن دو تاسی^۲ نیز منطق الطیر را تصحیح و ترجمه، و آن را در پاریس منتشر کرد. نیکلسون، خاورشناس انگلیسی نیز در سال ۱۹۰۵ کتاب تذکره‌الاولیا را تصحیح و در مطبعه لیدن چاپ کرد. هلموت ریتز^۳ آلمانی هم الهی‌نامه را برای نخستین بار در سال ۱۹۴۰ منتشر کرد. پیشینه تصحیح در ایران به حدود یک قرن می‌رسد. محمد قزوینی، که در ایران به تحصیل علوم قدیم پرداخته بود، پس از اعزام به اروپا و آشنایی

با شیوه جدید تصحیح علمی متون قدیمی به ترغیب ادوارد براون به تصحیح تعدادی از متون از جمله مرزبان‌نامه (۱۹۸۰)، چهار مقاله (۱۹۰۹)، المعجم (۱۹۰۹)، تاریخ جهانگشا (۱۹۱۱) و دیوان حافظ (۱۳۲۰) با همکاری غنی پرداخت. افراد دیگری نیز چون سید محمد قدسی و سید نصرالله تقوی به تصحیح متون پرداختند که البته این مصححان، شیوه‌ای مانند فضلالی دوره قاجاریه داشتند. مصححان متأخرتر چون محمد تقی بهار و بدیع‌الزمان فروزانفر و پس از آنها دانشجویان ایشان چون محمد معین، پرویز ناتل خانلری و مجتبی مینوی با شیوه غربیان به تصحیح به روش استادان خود ادامه دادند. شیوه تصحیح این استادان در مقالات و کتابهایی تبیین شده‌است؛ از جمله امید سالار (۱۳۸۴-۸۵) مقاله‌ای را با عنوان «علامه قزوینی و فن تصحیح متن» منتشر کرده است. هم‌چنین حسینی (۱۳۷۹) مقاله «روش دکتر معین در تصحیح متون فارسی» دارد. مقاله «تصحیح متون از نگاه همایی» نیز مجموعه‌ای از نوشته‌ها و سخنرانیهای او در این زمینه است که جمع آوری، و در سال ۱۳۷۷ قالب یک مقاله منتشر شده است.

در این میان، کتابهایی عطار در تصحیح مورد بحث و بررسی بیشتری قرار گرفته، و درباره آنها آثاری منتشر شده است؛ از جمله می‌توان به مقاله جهانبخش (۱۳۷۸-۷۹) درباره منطق الطیر با عنوان «هنجار تصحیح منطق الطیر»؛ اشرف زاده (۱۳۸۳) «نگاهی به چاپی تازه از منطق الطیر» را در نقد و بررسی تصحیح شفيعی کدکنی از کتاب منطق الطیر عطار و مقاله فرضی (۱۳۸۶) با عنوان «نگاهی به مقابله و تصحیح منطق الطیر عطار» اشاره کرد. به نظر می‌رسد تاکنون مطالعات زیادی با محوریت بررسی تطبیقی تصحیحات الهی‌نامه عطار منتشر نشده باشد و به این دلیل رویکرد این پژوهش می‌تواند بدیع و حائز اهمیت باشد. در این مطالعه با استفاده از روش اسنادی-کتابخانه‌ای اب‌تدا سه تصحیح بر مبنای میزان اعتبار آنها در جامعه دانشگاهی و تعداد تجدید چاپ هر اثر انتخاب، و نقاط قوت و ضعف هر یک از این تصحیحات با توجه به شیوه کار مصححان آنها مقایسه شد. در این میان متن اشعار و تفاوت ضبط با نسخه بدلها نیز با بهره‌گیری از سه معیار نسخ در دسترس، اهلیت پژوهشگر و روش کار مورد بررسی قرار گرفت. لازم به ذکر است که در این مطالعه از منابع دیگری نیز استفاده شد که درباره تصحیح نسخ خطی و مصححان مورد نظر نوشته شده بود.

یافته‌های تحقیق

در این قسمت به مطالعه توصیفی-تطبیقی نکات قوت و ضعف تصحیح الهی‌نامه عطار

در سه تصحیح زیر پرداخته می‌شود:

۱. بررسی الهی‌نامه تصحیح هلموت ریتز (۱۸۹۲-۱۹۷۱)

این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۴۰ در استانبول و در چاپخانه معارف با سرمایه‌گذاری جمعیت شرق شناسان آلمانی به عنوان دوازدهمین اثر از مجموعه «نشریات اسلامی» منتشر شد و سپس انتشارات توس در سال ۱۳۵۹ آن را باز نشر کرد. این کتاب مورد توجه مصححان بعدی نیز قرار گرفت. هر چند به نظر آنان اشکالاتی بر این تصحیح وارد بود، ارزشمندی کار او را تأیید کرده، و به شیوه صحیح و علمی این تصحیح صحه گذارده‌اند. در مقدمه ده صفحه‌ای این کتاب، ریتز به طور کامل به شرح شیوه کار خود در تصحیح این کتاب پرداخته، و از افزودن مطالب حاشیه‌ای پرهیز کرده است. از آنجا که سه عامل کلی مآخذ و نسخ، اهلیت پژوهشگر و روش را در تصحیح درست و اصولی دخیل دانسته‌اند، (جهانبخش، ۷۹-۱۳۷۸: ۵) در اینجا به اختصار به این سه عامل در کارهای تصحیحی پرداخته خواهد شد.

الف) مآخذ و نسخ

F: نسخه کتابخانه سلطان محمد فاتح استانبول نمره ۳۶۷۴، که مرکب از سه قسمت است با خطهای مختلف. قدیمی‌ترین و مهمترین بخش به خط نسخ محمد ابن محمد ابن الکمال است که چندان خوش نیست و در تاریخ ۴ جمادی الثانی ۷۲۹ به پایان رسیده است. بخش دوم با نسخ خوب و جدیدتر نوشته شده و احتمالاً مربوط به ربع نخست قرن نهم است و بخش سوم به خط نسخ خمیده است و چندان خوب نیست و احتمالاً در قرن دهم یا یازدهم انجام شده است.

I: نسخه کتابخانه دیوان هند در لندن^۴ که الهی‌نامه در صفحات ۱۹۶ تا ۲۷۸ به خط محمد حجبی ابن بابا حجبی در تاریخ ۲۰ رمضان ۸۰۷ به پایان رسیده است.

B: نسخه کتابخانه بریتیش میوزیم^۵ که الهی‌نامه آن حدود ۱۱۰ صفحه از این کتاب را اشغال می‌کند و برای خزانه کتابهای سلطان جلال‌الدین اسکندر ابن عمر شیخ به دست شخصی به نام محمد الحلوائی الجلالی الاسکندری در جمادی الاول سال ۸۱۳ استنساخ شده است.

A: نسخه کتابخانه ایاصوفیه نمره ۴۷۹۲ به خط اسعد ابن احمد ابن محمد الکاتب که در سال ۸۱۶ استنساخ آن به پایان رسیده است.

M: نسخه کتابخانه سلطان محمد فاتح استانبول نمره ۳۶۷۳ که در سال ۸۶۳ استنساخ آن به پایان رسیده است.

ریت‌ر نسخه A یعنی نسخه کتابخانه ایاصوفیه را اساس قرار داده است. دلیل این انتخاب را بدین گونه شرح می‌دهد که در بسیاری از مواضع، که اختلافات نسخه‌ها بسیار است، تنها نسخه ایاصوفیه روایت معنی‌دار و صحیح دارد و روایات نسخه‌های دیگر یا هیچ معنی ندارد و یا معنای مناسبی از آنها فهمیده نمی‌شود (ریت‌ر، ۱۳۵۹: کد).

با اینکه ریت‌ر سعی کرده‌است با یافتن نسبت تبارشناسانه میان نسخه‌ها آنها را از هم متمایز کند و شیوه صحیحی برای کار خود بیابد، مشکل عمده او در کار تصحیح در همین بخش یافتن نسخه‌های مورد وثوق بوده است. روحانی در این باره چنین اظهار نظر کرده است: «معلوم شد که متن ریت‌ر با همه خوبی و پاکیزگی بی‌عیب نیست؛ بلکه در نتیجه کافی نبودن پنج نسخه‌ای که در دسترس مصحح بوده‌است، افتادگیها و غلط‌هایی دارد که تا رفع نشود، کار ترجمه اطمینان بخش نخواهد بود» (روحانی، ۱۳۵۹: یک). شفیع‌ی کدکنی نیز ضمن ستایشی که از دقت علمی ریت‌ر کرده است، تأکید می‌کند که او نسخه‌های مناسبی در اختیار نداشته است (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۹۲: ۲۴).

ب: اهلیت پژوهشگر

احاطه ریت‌ر به موضوع شعر فارسی و ابعاد مختلف آن امروزه بر کسی پوشیده نیست. در مورد شعر عطار نیز به طور ویژه او چیرگی خود را در کتاب «دریای جان» نشان داده است. علاوه بر اینها استادانی هستند که شیوه کار او را به طور ویژه مورد مطالعه قرار داده، و درباره او مقالاتی منتشر کرده‌اند؛ به طور مثال ریچارد والزر درباره او چنین اظهار نظر می‌کند:

هلموت ریت‌ر به رده‌ای متعالی از انسانیت تعلق داشت؛ مرد بزرگی بود به معنای واقعی کلمه. در مقام یک پژوهشگر جامع و اساسی مقامی بلند داشت و در گردآوری داده‌هایی که درک عمیق‌تر هنر و اندیشه، بنیانها و تاریخ بر اساسشان استوار است، ید طولایی داشت. با چاپ اول متون عربی، فارسی، ترکی و اخیراً نیز سریانی معمولاً برگی مهم و اساسی بر داده‌های گنجینه ما می‌افزود. آثاری از این

دست را هیچ گاه نمی‌توان حاصل صرف پرکاری یا توجه معطوف به حقایق دانست؛ بلکه غالباً بویژه به گونه‌ای که در مورد ریتز صدق می‌کند، حاصل درکی جامع از موضوع مورد علاقه با تمامی ابعاد و جزئیات آن است. وی با ظرایف پنهان در شعر عربی، فارسی و ترکی و تفسیرهای محلی آنها آشنایی داشت و هم چنین از الهیات و عرفان اسلامی و واقعیات حیات مسلمانان در بلاد مختلف دارالاسلام» (والزر، ۱۳۸۹: ۴).

ج: روش تصحیح

ریتز در عین حال که به نسخه کتابخانه ایاصوفیه تکیه می‌کند، خارج از احتمال نمی‌داند که گاهی متن آن روایت اصلی نباشد و از تصحیحی قدیمی به ظهور آمده باشد که در این موارد از نسخه‌های دیگر بهره برده است. او تأکید می‌کند که در بعضی مواضع (که آنها را ذکر می‌کند) روایت صحیح در هیچ یک از نسخه‌ها نیست و او به تصحیح قیاسی و حدسی مضطر شده است. «در این مواضع احتمال دارد که اصل مشترک نسخه‌ها محرف و مصحف بوده است و نیز خارج از احتمال نیست که در مواضع دیگری که شکل حالی متن معنی واضح افاده نمی‌کند، تحریف و تصحیف در اصل مشترک وقوع یافته باشد ولیکن مصحح متردد مانده است که آیا متن محرف است یا اینکه صحیح و مصحح به مراد شاعر پی نبرده است» (ریتز، ۱۳۵۹: کد).

او در باب یکی از نسخه‌های مورد استفاده که آن را F نام نهاده است، چنین اظهار نظر کرده که ترجیحاً فقط برای مقدمه از آن بهره برده؛ اما در تنگنانهایی از این کتاب نیز استفاده کرده است؛ به طور مثال در صفحه ۱۹۷ بیت دوم او در این نسخه واژه «نبرهم» را یافته است که می‌گوید به نظر می‌رسد با توجه به رسم الخط قدیم، این واژه «نبرهم» از مصدر پژوهیدن به معنای «بازجستن» باشد که نظر به کهنگی و ندرت کلمه و راست آمدنش با قافیه، شک نیست که این روایت صحیح‌تر است (ریتز، ۱۳۵۹: کو).

در موارد اختلاف نسخه بدلها در سراسر کتاب شیوه واحدی در نظر گرفته نشده است. او این ناهماهنگی را چنین توضیح می‌دهد که در ابتدای کار نیت بر این بود که حواشی حتی الامکان مختصر شود و تنها مهمترین نسخه بدلها را مخالف با روایت اساس انتخاب و ثبت شود؛ ولی در اثنای کار چنین قرار داده است که به هیچ وجه در تصحیح و نشر نخستین متنی فارسی از قید تمام نسخه بدلها خودداری نکند؛ چرا که به

تجربه بر او ثابت شده است که انتخاب کردن نسخه بدلها و اختصار حواشی در کار مصحح، مشکلاتی را به وجود می آورد و وقوف خواننده را نیز بر ویژگیهای نسخه های مختلف دشوار می سازد (همان: کط).

در پایان این کتاب چند فهرست دیده می شود: «فهرست اعلام»، «فهرست منتخبات مبهمات و موضوعات و اصطلاحات لفظا و معنا»، «تصحیحات راجع به متن» و «اضافات و مستدرکات و تصحیحات راجع به حواشی».

۲. بررسی الهی نامه تصحیح فؤاد روحانی

حدوداً در سال ۱۳۳۰ شمسی، هانری کربن^۶، شرقشناس فرانسوی به فؤاد روحانی پیشنهاد کرد که الهی نامه را به زبان فرانسوی ترجمه و برای این کار، کتاب مصحح هلموت ریتز را انتخاب کند؛ اما به گفته روحانی او مسائلی را درست متوجه نمی شود و به این نتیجه می رسد که براحتی از فهم این مشکلات نگذرد و آنها را حل نشده رها نکند. بنابراین به این نتیجه می رسد که متن ریتز به دلیل نداشتن نسخه های معتبر، کاستیهایی دارد که او را به سر منزل مقصود نمی رساند. در نتیجه نسخه های دیگری را آماده کرد و کار تصحیح این کتاب را در سال ۱۳۳۹ به پایان رسانده و آن را به زبان فارسی نیز منتشر کرده است.

برای بررسی کار مصحح بررسی عوامل تعیین کننده در آن پرداخته خواهد شد:

الف) مآخذ و نسخ

۱. الهی نامه چاپ استانبول به تصحیح ریتز آلمانی
۲. الهی نامه منتشر شده در سال ۱۸۷۲ در شهر لکنهو
۳. الهی نامه چاپ سنگی از روی همان چاپ لکنهو در تهران در سال ۱۳۱۶
۴. نسخه کتابخانه سلطنتی
- ۵ و ۶. سه نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملی
- ۸ و ۹. دو نسخه متعلق به محمد نخجوانی
۱۰. نسخه متعلق به صادق گوهرین
۱۱. نسخه ای از کتابخانه دانشگاه کمبریج
۱۲. نسخه ای از کتابخانه موزه لندن

۱۳. نسخه‌ای از کتابخانه وزارت هند

۱۴ تا ۱۹. پنج نسخه در کتابخانه ملی پاریس

۲۰. نسخه انجمن فرهنگی شوروی

۲۱ و ۲۲. دو نسخه کتابخانه ملک

روحانی سه نسخه از نسخه‌های یاد شده را مرغوبتر یافته و کار تصحیح را با مقابله این نسخ انجام داده که عبارت است از:

۱. نسخه کتابخانه سلطنتی به شماره ۴۴۳ شامل بر کلیات عطار که ۱۲۴ صفحه آن به الهی‌نامه اختصاص دارد و در سال ۷۳۱ هجری نوشته شده است.

۲. نسخه شماره ۵۹۷۴ کتابخانه ملک که متن آن مثنوی مولوی و حواشی آن مثنویهای عطار و از جمله الهی‌نامه است و در سال ۸۰۹ هجری کتابت شده است.

۳. نسخه شماره ۵۹۵۵ کتابخانه ملک که شامل بر چهار مثنوی عطار، و در سال ۸۱۹ استنساخ شده است.

چنانکه دیده می‌شود، نسخه‌های در دسترس این مصحح متعدد است. بر روی جلد این کتاب نیز ذکر شده است: «با مراجعه به بیست و یک نسخه خطی از کتابخانه‌های ایران و اروپا».

ب) اهلیت پژوهشگر

فؤاد روحانی (۱۳۸۲-۱۲۸۶) به پنج زبان زنده دنیا تسلط داشت و مترجمی زبر دست بود. علاوه بر اینها او کارشناس ارشد مسائل نفت بود و طی سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۴ دبیر کلی اوپک را از سوی ایران بر عهده داشت بدین ترتیب نوشته‌های او بیشتر در زمینه مسائل سیاسی و اقتصادی و منطقه‌ای است و ترجمه‌های او نیز بیشتر ناظر بر همین مسائل است. تنها اثر تصحیحی او همین الهی‌نامه است، که چنانکه گفته شد، انگیزه ابتدایی آن بر اساس کار ترجمه شکل گرفت.

ج) روش تصحیح

روحانی درباره روش کار خود چنین توضیح می‌دهد که این سه نسخه یاد شده یعنی نسخه کتابخانه سلطنتی و دو نسخه کتابخانه ملک را سطر به سطر خوانده و با هم

مقابله کرده؛ اما در مواردی نیز مجبور شده است حتی از بدترین نسخه ها کمک بگیرد تا اشکالاتش در کار تصحیح رفع شود.

ضبط اختلافات نسخه بدله ها در این کتاب ناقص است و هر چند صفحه، در پانویس صفحه ای یکی دو مورد از اختلافات نسخه بدله ها ذکر شده است. در این مورد مصحح چنین توضیح می دهد که ثبت کردن همه نسخه بدله ها مفید و حتی عملی نیست. مفید نیست؛ زیرا در بیشتر موارد تغییری در معنای بیت ایجاد نمی کند و عملی نیست؛ چرا که ذکر آنها مفصل می شود و تقریباً حجمی به اندازه خود کتاب الهی نامه و یا حتی بیشتر از آن خواهد داشت. بنابراین او معتقد است که راه میانه ای را برگزیده و طبق آن از ثبت اختلافات میان نسخه ها خودداری کرده است جز در صورتی که در معنی اختلاف ایجاد می کند؛ به این ترتیب متن مصحح او انتقادی به معنای اصطلاحی آن نخواهد بود و او مبنای کار خود را انتقاد به معنای لغوی آن، یعنی جدا کردن سره از ناسره قرار داده و بر آن است که تا آنجا که توانسته کوشیده است تا صحیح و سقیم روایات را تشخیص دهد (همان: دو).

در پایان این کتاب فهرستی با نام «توضیحات» آمده که در آن به آیات قرآن و احادیث و تلمیحات اشاره کرده است. فهرست بعدی به «معنی بعضی کلمات که در متن آمده» تعلق دارد. آخرین آنها نیز «فهرست اعلام» است.

۳. بررسی الهی نامه تصحیح شفیع کدکنی

این تصحیح برای نخستین بار در سال ۱۳۸۵ در سلسله انتشارات سخن به چاپ رسیده است. شفیع کدکنی پس از تحسینی که از ریتر و متن مصحح او از الهی نامه کرده است، می گوید که متن تصحیح شده او هم چنان نقصها و کاستیهایی دارد و حالا که متنهای معتبرتری از الهی نامه در دست است و از آنجا که ریتر فرصت نیافت تا تفسیری را که قصد داشت درباره الهی نامه تدوین کند به سامان برساند، بهتر آن دیده است که تصحیحی از این کتاب فراهم آورد.

الف) مآخذ و نسخه ها

۱. A. نسخه ایاصوفیه به شماره ۴۷۹۲ که مورد استفاده ریتر نیز بوده است.

۲. B نسخه موزه بریتانیا که شفیع با واسطه و از طریق چاپ ریتز به آن دست یافته است.
۳. D نسخه کتابخانه مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی به شماره ۱۷۷۷ و شامل چند مثنوی است. این کتاب در ۲۶ جمادی الثانی ۸۷۳ کتابت شده است.
۴. F نسخه کتابخانه فاتح در استانبول به شماره ۳۶۷۴. بهره‌گیری از این کتاب نیز به واسطه تصحیح ریتز بوده است.
۵. G نسخه کتابخانه ملک ۲ که به شماره ۵۹۵۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و در اصل از کتابهای کتابخانه ملک بوده است. این نسخه به قرن نهم مربوط، و الهی‌نامه تنها بخشی از آن است.
۶. H نسخه عارف حکمت به شماره ۸۱۲/۱۶۴ به خط عبدالله ابن همایون شاه البرمکی المعروف بکرمانی کتابت شده است و احتمالاً در سال ۸۵۹ هجری کتابت شده باشد.
۷. I نسخه ایندیانا آفیس به شماره ۲۶۴۸ که به واسطه تصحیح ریتز به دست مصحح رسیده است.
۸. K نسخه کتابخانه آیه الله مرعشی در قم به شماره ۱۳۹۱۲ در فاصله قرون هفتم و هشتم استنساخ شده است.
۹. L نسخه کتابخانه ملک ۱ به شماره ۵۹۷۴ که اکنون در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. یکی از بخشهای این کتاب الهی‌نامه است و هادی عبدالقادر ابن علی ابن محمد بدرالاستر آبادی آن را کتابت کرده است.
۱۰. M نسخه کتابخانه سلطان محمد فاتح در استانبول به شماره ۳۶۷۳ و به تاریخ ۸۶۳ به خط نستعلیق که مصحح به واسطه تصحیح ریتز به آن دست یافته است.
۱۱. Q نسخه قاهره به شماره ۲۳، که فیلم آن به شماره ۲۷۰۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.
۱۲. S نسخه کتابخانه کاخ گلستان به شماره ۲۷۰ به خط ابوبکر ابن علی ابن محمد اسفراینی معروف به پاکان به تاریخ کتابت ۷۳۱ که نسخه اساس در این تصحیح قرار گرفته است.
۱۳. T نسخه کتابخانه ملی تبریز به شماره ۳۶۳۵

۱۴. U مجموعه‌ای شامل بیست و سه منظومه که در کتابخانه اونیورسیتیه ترکیه نگهداری می‌شود.

ب) اهلیت پژوهشگر

شفیعی کدکنی، شاعر و مدرس زبان و ادبیات فارسی از سال ۱۳۴۸ تاکنون استاد دانشگاه تهران است. آثار وی را می‌توان به سه گروه انتقادی و نظری و مجموعه اشعار خود وی تقسیم کرد. آثار انتقادی شامل تصحیح آثار کلاسیک فارسی و نگارش مقالاتی در حوزه «نظریه ادبی» است. در میان آثار نظری کتاب «موسیقی شعر» جایگاهی ویژه دارد و در میان مجموعه اشعارش «در کوچه باغهای نیشابور» پرآوازه است. زمزمه‌ها، شبخوانی، از زبان برگ، بوی جوی مولیان، از بودن و سرودن، مثل درخت در شب باران، هزاره دوم آهوی کوهی، صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر، با چراغ و آینه (در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران)، تصحیح «اسرار التوحید» نوشته محمد ابن منور، تصحیح «تاریخ نیشابور» نوشته حاکم نیشابوری، تصحیح آثار عطار نیشابوری نظیر «مختارنامه»، «مصیبت‌نامه»، «منطق‌الطیر»، «اسرارنامه»، دیوان عطار و ترجمه «آفرینش و تاریخ» نیز از جمله آثار او به‌شمار می‌رود.

ج) روش تصحیح

روش این تصحیح بنا بر اصل قرار دادن نسخه کتابخانه کاخ گلستان است که به پاکان اسفراینی مشهور است. در مواردی که بیت یا ابیاتی مغشوش و آشفته بوده است، مصحح از تلفیق آنها صورتی ارائه کرده و در فصلی جداگانه با ذکر صفحه و بیت تمام اختلافات نسخه بدلهای معرفی شده است. مصحح درباره انتخاب واژگان در این مورد توضیح داده است که او می‌توانسته است با اعمال سلیقه موردی، هر جا که نسخه‌ای به ظاهر کهنه‌تر می‌نمود، آن را به ضبط متن بیاورد و ضبط متن را به حاشیه ببرد؛ اما چنین روشی نظام کار را از بنیاد مشوش می‌کرد و تشخیص اینکه نسبت به زبان عطار کدام متن اصیلتر یا کهنه‌تر است در تمام موارد قابل اثبات علمی نبوده است. به همین دلیل نسخه پاکان را که در مجموع کهن‌ترین و اصیلترین ضبط‌ها بود، اساس قرار داده‌است و در مواردی که اختلاف اساس با نسخه‌ها وضعیتی ویژه و تعیین کننده داشت به آوردن نسخه بدلهای پرداخته است.

فهرستهای گونه‌گونی در پایان این کتاب دیده می‌شود: «نسخه بدلها» که در آن موارد اختلاف ضبط با نسخه‌های دیگر نوشته شده، «تعلیقات» که معانی واژگان و ابیات دشوار به همراه اشاره به قرآن و حدیث را در بر دارد، «فهرست اعلام متن»، «راهنمای تعلیقات» و «کشف الابیات متن».

بحث و بررسی

این مطالعه با استفاده از رویکرد توصیفی-تطبیق به بررسی تصحیحات ریتز، روحانی و شفیع کدکنی از الهی‌نامه عطار پرداخته، و در این میان سه معیار مآخذ و نسخ، اهلیت پژوهشگر و روش تصحیح را مهمترین ملاکهای مؤثر معرفی کرده است. در ادامه به مقایسه نقش هر یک از این ملاکها در آثار مشخص شده پرداخته می‌شود:

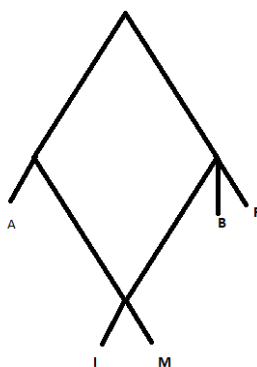
۱. بررسی اهمیت مآخذ و نسخ خطی در تصحیحات ریتز، روحانی و شفیع کدکنی

به‌منظور پیدا کردن نسخه قابل اعتماد و اساس قرار دادن آن در کار تصحیح، ملاکهایی هست که قدمت، صحت، اصالت و استقلال یعنی عدم وابستگی دو نسخه یا بیشتر به نسخه مادر (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۱۷) مهمترین آنها به‌شمار می‌رود؛ از این رو، ریتز تلاش مضاعفی در این زمینه به خرج داده است. او نسخه کتابخانه ایاصوفیه را انتخاب کرده که به لحاظ قدمت چهارمین {از پنجمین} نسخه در دسترس او بوده است. چنانکه پیشتر بیان شد، نسخه اساس انتخاب شده در کار ریتز بر مبنای معنای درست و واژگان صحیح و مورد تأیید همایی نیز هست؛ چرا که همایی معتقد است قدمت نسخه، تعیین کننده صحت آن نیست و کسانی که قدمت نسخه را دلیل بر صحت آن می‌دانند، تازه بودن نسخه را با غلط بودن آن ملازم می‌کنند؛ زیرا آنها چنین استناد می‌کنند که هر قدر تاریخ کتابت نسخه‌ای قدیمی‌تر باشد، تصرف کاتبان در آن کمتر بوده است و این دلیل خالی از سفسطه و مغالطه نیست. این استدلال در صورتی درست است که نسخه‌های موجود از هر کتابی به ترتیب زمانی از روی یکدیگر استنساخ شده باشد در صورتی که همگان می‌دانند این مسأله صحیح نیست (همایی، ۱۳۷۷: ۹۵).

جایگاه مآخذ و نسخ در تصحیح روحانی روایتی دیگر دارد. او در مقدمه هیچ توضیحی درباره انتخاب نسخه اساس نداده و دلایل انتخاب این سه نسخه را از میان ۲۲ نسخه ذکر نکرده است. روحانی حتی مشخصات و تاریخ کتابت نسخ دیگر را هم

متذکر نشده است. به لحاظ قدمت نسخه اساس، شفيعی کدکني در جایگاه سوم از چهارده نسخه در دسترس اوست و توضیحاتی در زمینه شیوه انتخاب خود و دلیل برتری این نسخه داده است. او معتقد است این نسخه مشکلات فاحشی دارد و کم‌حوصلگی کاتب باعث شده تا افتادگیها و اغلاط املایی فراوانی در این متن راه یابد؛ اما با این حال این متن امتیازاتی نیز دارد و از مهمترین آنها این است که مسلم است کاتب نسخه کهنی از کلیات عطار را در اختیار داشته است که این نسخه را از نسخ دیگر متمایز و برجسته می‌کند.

اگر چه روحانی و شفيعی درباره نسبت نسخه‌های مورد استفاده خود سکوت کرده‌اند، ریتز نسبت نسخه‌ها را بررسی و در نموداری به این شکل آن را مشخص کرده است.



نمودار: نسب‌نامه نسخه‌های مورد استفاده ریتز در کار تصحیح الهی‌نامه

زرین‌کوب نیز بر درستی این کار صحه می‌گذارد و معتقد است مصحح ابتدا باید نسب‌نامه یا شجره‌النسب نسخه‌ها را تهیه و ترسیم کند و سپس نسخه‌هایی را برگزیند که موثق و دارای اصلی قدیمی هستند- هر چند بهتر است تاریخ نگارش آنها قدیمی نباشد- سپس آن نسخه‌ها معتبر را ملاک کار خود قرار دهد (زرین‌کوب، ۱۳۷۷: ۴۹).

۲. بررسی روش کار در تصحیحات ریتز، روحانی و شفيعی کدکني

در مورد روش کار می‌توان گفت ریتز و شفيعی کدکني، شیوه بینابینی را مبنای کار خود قرار داده، و از شیوه‌های یک جانبه‌نگر و مکانیکی یاد شده پرهیز کرده‌اند. این دو مصحح، هر کدام از یک نسخه بهره برده، و در مقابل، نکات نامعلوم را با استفاده از نسخه‌های کم‌اعتبارتر ولی در مواردی صحیح‌تر حل کرده‌اند در حالی که روحانی از

شیوه‌ای نام می‌برد که در آن سه نسخه را سطر به سطر مقابله کرده است و معلوم نمی‌کند که معیار نهایی انتخابهای او بر چه اساسی بوده است. او حتی اهمیت و تشخیص خواننده را نادیده می‌گیرد و در بیشتر موارد، اختلاف نسخه بدلها را ذکر نمی‌کند. روحانی معتقد است: «تعداد این گونه موارد در هر مقاله یا حتی در هر حکایت، چندان است که در صورت ضبط و شماره تمام نسخه بدلها حاشیه کتاب بر متن آن فزونی می‌گیرد» (روحانی، ۱۳۵۹: چهار)؛ این در حالی است که در تصحیح شفیع کدکنی تمامی این موارد را در بخش جداگانه‌ای ذیل ملحقات می‌آورد. بر اساس یافته‌های این پژوهش این دقت و وسواس در تصحیح ریتز نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

با توجه به اینکه یکی از شاخصهای تعیین کننده در روش کار مصحح، دقت و وسواس است در تصحیح ریتز برجستگی‌هایی در این زمینه دیده می‌شود که می‌توان به آنها اشاره کرد و از این طریق احاطه او را به شعر فارسی متوجه شد؛ مانند بیت زیر که بر اساس نسخه A آورده است:

چو قشر بیضه و موی سر امروز ز جهت کیمیایی گشت مکنوز

(عطار، ۱۳۵۹: ۴۱۲)

او سپس اضافه می‌کند: «فلیتأمل القافیه». دلیل اختلاف قافیه در این دو مصراع این است که واژه «امروز» دارای واو مجهول و کلمه «مکنوز» دارای واو معروف است و در زمان عطار این دو نوع واو را با هم قافیه نمی‌کرده‌اند و این نکته از چشم ریتز پوشیده نمانده است.

از سوی دیگر با توجه به اینکه شفیع کدکنی اهل خراسان است و به لهجه منطقه آشنایی کامل دارد در تصحیحاتی که به دلیل ناآشنایی به لهجه ضبط نادرستی از اشعار عطار شده است با آوردن دلیل اصلاحاتی ارائه کرده که بر دقت تصحیح او افزوده است؛ برای مثال او از واژه «حفنه» یاد می‌کند که به پیروی از زبان عربی در لهجه خراسان به معنای «یک مشت از چیزی» است و در بیت زیر بوضوح ملاحظه می‌شود:

مگر بهلول مشتی خاک برداشت بشد وان حفنه‌اش زیر نظر داشت

این واژه در نسخه بدلهای ریتز A «خفیه‌اش»، FI «خفته را» و B «خفیه در» بوده است. در نسخه بدلهای در دسترس شفیع کدکنی نیز واژه «حفنه» یافت نشده؛ اما او به

قرینه معنی بیت این واژه را درست دانسته است. هم‌چنین درباره واژه «فریز» نیز مصداق دارد که هم اکنون در لهجه خراسان به معنی علفی است که وقتی روید، ریشه می‌دواند و کسی نمی‌تواند آن را نابود کند، بدرود یا از میان ببرد. شفיעی کدکنی این واژه را در بیت زیر یافته است:

جهانی پر فریز تند دیدم به دستم داسکی بس کند دیدم
(عطار، ۱۳۹۲: ۲۳۲)

این واژه در نسخه‌های موجود در دست ریتر بدین گونه بوده است: BIF بید، SH بر مرید تند، Q بر مرید بند، BFIU پر ز شاخ بید، K پر فریب و سد (بدون نقطه) و شفיעی واژه «فریز» را صحیح می‌داند که معنی را این گونه تغییر می‌دهد: «من داس کندی داشتم و در برابر خود جهانی پر از علف فریز دیدم که هر چه بکوشم که آن را بدروم، حریف آن نخواهم شد» (همان: ۹۶). مالیر تعدادی از این موارد لهجه‌ای خراسان را که در تصحیح شفیهی کدکنی تأثیر داشته‌است در مقاله‌ای با عنوان «اهمیت گویشها و لهجه‌های محلی در تبیین و تصحیح متون عرفانی» گردآوری، و ظرایف آن را بازگو کرده است.

اگر چه موارد اختلاف این سه تصحیح فراوان است به شکل خلاصه می‌توان به داستان رکن الدین اکاف اشاره کرد که به سلطان سنجر می‌گوید تو از پی پیاز یک پیرزن نمی‌گذری. او با خون دل ریسمان می‌ریسد؛ به بازار می‌برد و به جای آن پیه و پیاز و هیزم می‌خرد و تو از تک تک آنها مالیات می‌گیری؛ حقا که گدایی از این پادشاهی بهتر است. در اینجا این بیت در تصحیح ریتر می‌آید:

دل سنجر از آن تشویر خون شد ببخشید از سر ناز و برون شد
(عطار، ۱۳۵۹: ۲۵۵)

«از سر ناز بخشیدن» در این بیت مفهوم خاصی را القا نمی‌کند. در نسخه A «ببخشیدش سپه باره»، F «سه بازار و» و J «ز راه چشم خون دل» آمده است. در نسخه مصحح روحانی مصراع دوم به این شکل آمده است: «ببارید اشک خونین و برون شد» (عطار، ۲، ۱۳۵۹: ۲۰۳). این بیت توضیحی ندارد و اختلاف نسخه بدله‌ها هم در آن ذکر نشده است. شفیهی کدکنی بیت را چنین آورده است:

دل سنجر در آن تشویر خون شد ببخشیدش سه بازار و برون شد
(عطار، ۱۳۹۲: ۳۱۳)

در بخش تعلیقات معنی این مصراع چنین آمده است: «خراج و مالیات سه بازار را به خاطر او بخشید» (همان: ۶۶۱).

۳. بررسی دیباچه‌ها در تصحیحات ریتز، روحانی و شفیع‌ی کدکنی

یکی دیگر از موارد اختلاف این سه مصحح نظری به مقدمه‌های الهی‌نامه برمی‌گردد. ریتز دیباچه‌های الهی‌نامه را بر دو نوع معرفی می‌کند و می‌گوید یکی از این دو دیباچه با

به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک
و دیباچه دوم با بیت

به نام آن که ملکش بی‌زوالست به وصفش نطق صاحب عقل لالست
آغاز می‌شود. او متوجه در هم ریختگی ابیات این دیباچه‌ها با یکدیگر و هم‌چنین با دیباچه خسرونامه است و می‌گوید:

می‌توان گفت که موجود نبودن تمام روایت دوم دیباچه برای خوانندگان کتاب مستلزم ضیاع مهمی نمی‌گردد؛ چون در روایت دوم دیباچه چندان افکار ناگفته یافت نمی‌شود و طول و اطناب ملال آورش هم از قیمت ادبی آن می‌کاهد ولیکن دلایلی که در صحت اسناد روایت دوم دیباچه به عطار شبهه‌ای برانگیزد هم در دست نیست. از دیباچه خسرونامه‌اش استنباط می‌توان کرد که عطار دیباچه‌های بعضی از کتب خود را تغییر و تعدیل می‌داده است (ریتز، ۱۳۵۹: کج).

بنابراین ریتز مقدمه‌های متفاوت الهی‌نامه را، که در هم ریختگی با کتابهای دیگر عطار چون خسرونامه دارد از آن عطار می‌داند؛ اما روحانی در این باره نظر دیگری دارد. او با توجه به نسخه‌های در دسترس خود، سه نوع دیباچه برای الهی‌نامه یافته و معتقد است عطار بی‌گمان هر سه روایت را به طور جداگانه سروده و در تخصیص یکی از آنها به الهی‌نامه تردید داشته است. او ملاک خود را برای ترجیح یکی از این دیباچه‌ها تعداد ابیاتی می‌داند که در وصف پیامبر است و بر این اساس دیباچه‌ای را که با مصراع «الهی‌نامه را آغاز کردم» مرجح می‌شناسد.

زیرا اولاً این روایت با ذکر نام کتاب شروع می‌شود و ثانیاً نعت پیامبر را در سبب بیت دارد که از دو نعت دیگر مشروحتر و زیباتر است و چیزی که در انتخاب روایت اول باعث تردید می‌شود، همین است که در آن روایت نعت پیامبر بیش از

سیزده بیت ندارد و بعید است که عطار در جایی که هر یک از خلفا را با سی بیت ستوده در مورد مدح پیغمبر به این مقدار اکتفا کرده باشد (روحانی، ۱۳۵۹: چهار و پنج). بنا به نتیجه‌ای که روحانی می‌گیرد، ظاهراً استنساخ کنندگان هم بین دلایل برتری روایت اول با دوم مردد بوده‌اند؛ زیرا در دو مورد هر دو روایت را تماماً یا بعضاً نوشته‌اند؛ این در حالی است که نظر شفیع کدکنی در این باره کاملاً متفاوت است. او تمامی این دیباچه‌های روایت شده را جعلی می‌داند و معتقد است کسانی که با این متن رو به رو شده‌اند، آن را بدون دیباچه، یعنی فاقد توحید و مناجات و نعت پیامبر اکرم (ص) یافته‌اند. به همین علت هر کسی برای اینکه این کتاب بدون مقدمه نباشد، ابیاتی را به ذوق و سلیقه و سبک خود در آغاز نسخه در دسترسش قرار داده است. بنابراین هیچ کدام از این دیباچه‌ها کوچکترین تناسبی با سبک شعری عطار ندارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۴). شفیع در مقدمه کتاب مختارنامه عطار بحث مفصلی در زمینه جعلی بودن انتساب کتاب خسرونامه به عطار دارد. او در این مقدمه در اثبات این نکته سعی می‌کند که کتاب خسرونامه در اصل «گل و هرمز» نام دارد. وقتی جاعل متوجه شده است که عطار کتابی با نام «خسرونامه» دارد و همگان این مسأله را می‌دانند، کتاب گل و هرمز را، که افسانه‌ای قدیمی است و با عطار و شیوه شاعری و تفکرش هیچ تناسبی ندارد با نام خسرونامه معرفی می‌کند و خسرونامه اصلی عطار را الهی‌نامه نام می‌نهد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۵۷). او در مقدمه الهی‌نامه تأکید می‌کند جاعل برای اینکه رد جعل خود را گم کند، خاتمه گل و هرمز را با اشعاری از عطار به پایان می‌برد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۹). شفیع در توضیح چرایی کار جاعل (ان) چنین توضیح می‌دهد که امرا و پادشاهان کتاب دوست کم نبوده‌اند و از اینکه در کتابخانه آنان مجموعه کاملی از آثار عطار وجود داشته باشد، بسیار شادمان می‌شده‌اند. این گونه حکام معمولاً تنی چند از اهل فضل را مأمور این کار می‌کرده‌اند و این افراد هم مانند غالب ایرانیان طبع شعری داشته‌اند. پس به جای اینکه تنها خسرونامه را، که ما امروز آن را با نامه الهی‌نامه می‌شناسیم به حاکم تقدیم کنند، کتابی به نام «گل و هرمز» ساخته یا یافته‌اند و آن را با تغییراتی به نام کتاب عطار «خسرونامه» نام نهاده‌اند و نام خسرونامه عطار را به الهی‌نامه تغییر داده‌اند. به این شکل انعام دو کتاب را از حاکم گرفته‌اند (همان: ۶۱). او هم چنین معتقد است که «سبک شناسی و قرائن پیرامون سبک شناسی به ما می‌گوید تمام

روایاتی که از خطبه الهی‌نامه وجود دارد و امروز در نسخه‌های خطی شناخته شده از این کتاب دیده می‌شود، همه بر ساخته است و حاصل نوعی جعل و سندسازی» (همان: ۶۹)؛ به این ترتیب برای از میان بردن هر گونه شک و تردیدی دیباچه و آخر کتابها را به صورتی مخلوط و در هم یا نصفانصف میان کتابهای مختلف تقسیم کرده‌اند که نشانی هم از اشعار عطار در این کتابها باشد و از آنجا که معلوم نیست چند نفر در این کار مساهمت داشته‌اند، دیباچه‌های مختلفی از الهی‌نامه به وجود آمده است.

۴. فراهم‌سازی فهرستها در تصحیحات ریتز، روحانی و شفیعی کدکنی

از دیگر نکات مورد توجه در توصیف تطبیقی هر یک از این تصحیحات لازم است به فراهم کردن انواع فهرستها اشاره شود. هدف از فهرست نویسی، آسان کردن بهره‌گیری از مطالب کتاب منتشر شده است به طوری که برای هر محقق دست یافتن به مطالب کتاب ممکن باشد؛ بدین سبب کتابهایی که خاورشناسان منتشر کرده‌اند به دلیل فهرستهای سودمندی که برای آنها تنظیم شده، بسیار مورد استفاده قرار گرفته است (منجد، ۷۸-۱۳۷۷: ۱۱۰). در سه کتاب یاد شده نیز انواع فهرستها دیده می‌شود.

در تصحیح ریتز فهرست اختلافات نسخه بدلها در پانویس صفحات ذکر؛ و در پایان نیز در فهرستی گردآوری شده است. علاوه بر این، چنانکه بیان شد، فهرستهای دیگری چون اعلام، واژگان و ابیات دشوار و هم چنین اضافات و مستدرکات و تصحیحات درباره حواشی آمده است؛ این در حالی است که تصحیح شفیعی کدکنی از فهرستهای بیشتری برخوردار است که با نام «تعلیقات» در پایان کتاب جای گرفته‌است. علاوه بر اعلام، شرح معانی واژگان و ابیات دشوار به همراه اشاره به قرآن و حدیث، راهنما و کشف الابیات به تمامی موارد اختلاف ضبط با نسخه بدلها پرداخته‌است؛ اما در تصحیح روحانی در پایان به فهرست اشارات قرآن، حدیث، معنی و هم‌چنین فهرست اعلام بسنده شده است.

نتیجه‌گیری

آثار عطار، شاعر و نویسنده قرن ششم و ابتدای قرن هفتم با مرور زمان به طور گسترده مورد تصرف نساخان قرار گرفته و گذشت روزگار نیز موجب آسیب دیدگی نسخ متعدد آن شده است؛ به این دلیل شاید بتوان ادعا کرد الهی‌نامه او از این بابت دچار

مشکلات بیشتری شد و به همین دلیل اختلاف نظرهای بسیار زیادی بر سر نسخه‌های متعدد آن وجود دارد که ضرورت این پژوهش را دو چندان می‌کند. از جمله مشهورترین این مصححان می‌توان به ریتز، روحانی و شفیعی اشاره کرد که الهی‌نامه عطار را از روی نسخه‌های خطی تصحیح و چاپ کرده‌اند. در این پژوهش این سه اثر با توجه به معیارهایی شامل مأخذ، اهلیت و شیوه تصحیح با یکدیگر مقایسه شده‌است. با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که:

(۱) به لحاظ استفاده از نسخه‌ها، تصحیح ریتز از نسخه‌های محدودتر بهره برده در حالی که شفیعی منابع کاملتر و اصیلتری در دسترس داشته و روحانی منابع خطی و چاپی را در هم آمیخته و استفاده کرده است.

(۲) از نظر اهلیت مصحح می‌توان شفیعی کدکنی را در مقایسه با دو مصحح دیگر برتر دانست؛ زیرا وی سالهای بسیاری از عمر خود را صرف تصحیح و تحقیق آثار عطار کرده است و ریتز در جایگاه بعدی قرار می‌گیرد. اهلیت او از این نظر قابل تأمل است که ریتز به متون عربی، فارسی، ترکی و سریانی تسلط زیادی دارد و در مورد شعر فارسی و عطار نیز تحقیقات مفصلی انجام داده که بر تسلط او بر کار تصحیح افزوده است و پس از آن می‌توان به روحانی اشاره کرد.

(۳) به لحاظ شیوه کار تصحیح ریتز و شفیعی کدکنی به دلیل استفاده از شیوه بینابینی که رویکرد شناخته شده علمی است بر شیوه روحانی برتری دارد. ریتز و شفیعی با اصل قرار دادن یک نسخه و در مواردی استفاده از نسخه‌های دیگر برای مقایسه بهره برده‌اند؛ اما روحانی سه نسخه را اصل قرار داده‌است و مشخص نیست دلیل انتخاب این روش چه بوده و این کار را چگونه به انجام رسانده است؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که روحانی در عمل به اصل خاصی در تصحیح مقید نبوده و علی‌الظاهر هر ضبطی را که پسندیده در متن گنجانده است.

(۴) از نظر نسبت نسخه‌ها تنها ریتز نسبت نسخه‌ها را با هم سنجیده و نسب نامه آنها را به طور دقیق در نموداری معرفی کرده است در تصحیح روحانی و شفیعی کدکنی چنین رویکردی مشاهده نشد.

(۵) به لحاظ ضبط اختلافات در چاپ، تصحیح شفیعی کدکنی مفصلتر و کاملتر از دیگر نسخه‌ها است. ریتز در ابتدا تمایل خود را به بررسی اختلاف نسخه‌ها به صورت جزئی نشان داده اما در میانه کار به این نتیجه رسیده است که همه را معرفی کند.

روحانی به اختلاف نسخ اشاره‌ای نکرده و مطرح کردن آن را بی‌نتیجه دانسته است. بنابراین می‌توان از این نظر چاپ شفيعی کدکني و سپس ريتر را برتر دانست. ٦) از نظر فهرست‌هایی که در پایان الهی‌نامه‌های این سه مصحح آورده شده ريتر چهار فهرست، روحانی سه فهرست و شفيعی کدکني پنج فهرست تنظیم کرده است. به این دلیل می‌توان گفت در مقام مقایسه فهرست‌های نسخه‌های مصحح شفيعی کدکني از دیگران مفصلتر و کاملتر است.

در نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که در بررسی تطبیقی تصحیح الهی‌نامه عواملی نظیر اهلیت مصحح، آشنایی زمینه‌ای مصحح با اثر و استفاده از علم سبک‌شناسی به عنوان ابزار اصلی زمینه‌افزایش دقت و اعتبار در تصحیح اثر، تصحیح شفيعی کدکني در مقایسه با مصححان یاد شده از نظر تسلط بر لهجه خراسانی و همچنین اتخاذ رویکرد سبک‌شناسی در تصحیح نسبت به دیگر تصحیحات برتری دارد. تصحیح ريتر به دلیل تسلط وی به ادبیات فارسی و شعر نیز در انتخاب صحیح کلمات مؤثر بوده است و تصحیح روحانی به دلیل ضعف در موارد مطرح شده، اهمیت کمتری دارد.

پی‌نوشتها

1. Silvestre de Sacy
2. Garcin de Tassy
3. Helmuth Ritter
4. Indiana Office Nr. 2684, (H. Ethe, Catalogue of the Persian manuscript in the Library of the Indiana Office Vol. I 618 Nr. 1034)
5. British Museum Add. 27261 (Ch. Rieu, Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum II 868)
6. Henry Corbin

منابع

- اشرف زاده، رضا؛ «نگاهی به چاپی تازه از منطق الطیر»، *نامه فرهنگستان*؛ دوره ٦، ش ٢٤، آذر ١٣٨٣، ص ١١٥-١٢٤.
- اقبال، فرشید؛ *مقدمه الهی‌نامه پندنامه و اسرارنامه*؛ تصحیح هیأت تحریریه مؤسسه فرهنگی اندیشه دُر گستر، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه در گستر، ١٣٨١.
- امید سالار، محمود؛ «علامه قزوینی و فن تصحیح متن»، *نامه بهارستان*؛ ش ١٧٢، ص ٦، تابستان و زمستان ١٣٨٤ و ١٣٨٥ دفتر ١١ و ١٢، ص ١٨٩-٢٠٦.
- جهانبخش، جويا؛ «هنجار تصحیح متن منطق الطیر»، *آینه میراث*؛ ش ٨٧، ص ٢، زمستان ١٣٧٨ و بهار ١٣٧٩، ص ٤-٢٤.

- جهانبخش، جويا؛ **راهنمای تصحيح متون؛** چ سوم، تهران: دفتر نشر ميراث مکتوب، ۱۳۷۸.
- حسينی، سيد محمد؛ «روش دکتر معين در تصحيح متون فارسی»، **متن پژوهی ادبی؛** ش ۱۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۶-۲۱.
- روحانی، فؤاد؛ **مقدمه الهی نامه؛** چ سوم. تهران: زوار، ۱۳۵۹.
- ريتر، هلموت؛ **مقدمه الهی نامه؛** تهران: توس، ۱۳۵۹.
- زرین کوب، عبدالحسين؛ «درباره تصحيح متون: روش علمی در نقد و تصحيح متون ادبی»، **آينه ميراث؛** س اول، ش ۱، تابستان ۱۳۷۷، ص ۶-۵۳.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا؛ **مقدمه منطق الطير؛** چ پنجم، تهران: سخن، ۱۳۸۸.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا؛ **مقدمه مختار نامه؛** چ چهارم، تهران: سخن، ۱۳۸۹.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا؛ **مقدمه الهی نامه عطار؛** چ ششم، تهران: سخن، ۱۳۹۲.
- عطار نيشابوری، فریدالدین محمد؛ **الهی نامه عطار؛** مقدمه و تصحيح و تعليقات محمدرضا شفيعی کدکنی، چ ششم، تهران: سخن، ۱۳۹۲.
- عطار نيشابوری ۱، فریدالدین؛ **الهی نامه؛** تصحيح فؤاد روحانی، چ سوم، تهران: زوار، ۱۳۵۹.
- عطار نيشابوری ۲، فریدالدین؛ **الهی نامه؛** تصحيح و مقدمه و حواشی هلموت ريتر، تهران: توس، ۱۳۵۹.
- عمادی حائری، سيد محمد؛ «تصحيح متون با تأکید بر تصحيح متون فارسی»، **گزارش ميراث؛** دوره ۲، س سوم، ش ۲۵ و ۲۶، مهر و آبان ۱۳۸۷، ص ۴-۱۰.
- فرضی، حمید رضا؛ «نگاهی به مقابله و تصحيح منطق الطير عطار»، **کتاب ماه ادبیات؛** ش ۴، پیاپی ۱۱۸، مرداد ۱۳۸۶، ص ۷۴-۸۴.
- فروزانفر، بدیع الزمان؛ **شرح احوال و نقد و تحليل آثار شيخ فرید الدین محمد عطار نيشابوری؛** چ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴.
- مالمیر، تیمور؛ «اهمیت گويشها و لهجه های محلی در تبیین و تصحيح متون عرفانی»، **پژوهشهای ادب عرفانی (گوهر گویا)؛** س ۸، ش ۱، پیاپی ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۱-۱۸.
- منجد، صلاح الدین؛ «روش تصحيح نسخه های خطی»، ترجمه حسين خدیو جم، **آينه ميراث؛** س اول، ش ۳ و ۴، زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸، ص ۱۰۳-۱۱۱.
- والزر، ريچارد؛ «هلموت ريتر»، **جهان کتاب؛** س ۱۵، ش ۳ و ۴، پیاپی ۲۵۳ و ۲۵۴، خرداد و تير ۱۳۸۹، ص ۸-۱۱.
- همایي، جلال الدین؛ «تصحيح متون از نگاه همایی»، **آينه ميراث؛** س اول، ش ۲، پاییز ۱۳۷۷، ص ۹۴-۹۶.